



## ادراکات اعتباری علامه طباطبائی نتیجه مواجهه با تکثر است

نویسنده کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبائی(ره) و فلسفه فرهنگ» با اشاره به بیان اینکه طرح ادراکات اعتباری علامه طباطبائی نتیجه مواجهه او با تکثر است...

نویسنده کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبائی(ره) و فلسفه فرهنگ» با اشاره به بیان اینکه طرح ادراکات اعتباری علامه طباطبائی نتیجه مواجهه او با تکثر است، به تفاوت جهت گیری علامه و شهید مطهری در مواجهه با تکثر اشاره کرد و گفت: علامه اصل تکثر را می پذیرد و در تفسیر اساس تکثر به آنچه که در فلسفه فرهنگ رخ داده، نزدیک شده است اما شهید مطهری در بین همه شاخه های فلسفه مدرن به فلسفه تاریخ نزدیک شد.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم رونمایی از کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبائی(ره) و فلسفه فرهنگ» تألیف دکتر علی اصغر مصلح، سه شنبه 13 اسفندماه با حضور دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر حمید طالب زاده استاد دانشگاه تهران، دکتر رضا سلیمان حشمت استاد دانشگاه علامه طباطبائی، مؤلف این اثر و جمعی از اساتید و علاقه مندان به مباحث فلسفی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست، دکتر علی اصغر مصلح مؤلف کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبائی(ره) و فلسفه فرهنگ» به تشریح نظریه خود پیرامون نقش نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی در گفتگوی عالم اسلامی با فرهنگ غربی پرداخت و گفت: بحث من در این کتاب مدخلی برای بحث مهم ادراکات اعتباری علامه طباطبائی و در تبیین برداشت خود از این موضع به پایه های استنباطی خویش اشاره می کنم.

وی افزود: ما آموخته ایم که فلسفه نسبتی با زمان دارد و کوشش فلاسفه به سوی زمانه است و سعی می کنند نیوشای زمانه باشند و متفکر اگر متفکر باشد باید بیشتر از همه گوش به زمانه سپارد که یکی از این موارد پرداختن به پرسشهاست. در طول تاریخ و در همه فرهنگها متفکرانی بودند که با این پرسش ها در آویخته اند. برداشت من این است که طرح ادراکات اعتباری علامه طباطبائی نتیجه مواجهه ایشان با مسئله تکثر است. صورت بحث این است که مرحوم علامه طباطبائی در کتاب «سیر اصول فلسفه» که بحث معرفت شناسی است با مسئله تکثر اعتباریات مواجه شدند و بعد پایه ادراکات اعتباری را گذاشتند. اما گفته های او یک ناگفته ای دارد و آن اینکه علامه با مسئله تکثر فرهنگها و ملل و اندیشه ها روبرو بوده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی مسئله ادراکات اعتباری را حوزه اعتباریات خواند و گفت: مسئله تکثر همیشه در همه فرهنگها وجود داشته است و در فرهنگهایی که به تعبیری تک ستاره ای بودند، کوشش متفکران شان قطب نمایی بوده است یعنی با پدیده تکثر روبرو شدند و اغلب تکثر را به گونه ای تفسیر می کنند که اندیشه های غیر به نحوی که خودشان هستند، تفسیر شود. یعنی در فرهنگهایی که داشته و پنداشته اند خودشان اصل شمرده شده اند و وقتی با دیگران روبرو شدند با دیگری از نظر منظور خود که اصالت داده اند، با آنها مواجه می شوند.

وی تصریح کرد: به طور معمول در همه فرهنگها از جمله در حوزه فرهنگ اسلامی و غربی همیشه متفکر تکثر را بر اساس مبنا و پنداشته و داشته خویش تفسیر کرده است و کوشش او این بوده که در نهایت یک مبنای اصیل اثبات شود. این مسئله در تاریخ تفکر غربی هم بوده است و اوج بحث تکثر در دوره مدرن در قرن 18 هست. برداشت بنده این است که در دوره روشنگری ابتدا همین شیوه برخورد با دیگری و با تکثر غالب بوده است و حتی پیدایش فلسفه تاریخ کوششی برای تقلیل دیگری به خود است یعنی فلاسفه ای که نظامهای فلسفه تاریخ تأسیس کردند کارشان شبیه کوششهای کلامی و الهیاتی است.

مصلح به شباهتهای فلسفه تاریخ و فلسفه فرهنگ اشاره کرد و گفت: نکته جالب اینکه شبیه ترین حوزه فلسفی به فلسفه فرهنگ، فلسفه تاریخ است و این دو بعد از مواجهه با تکثر و دیگری به اندیشه درآمد و به گونه ای بسط پیدا کرده و به نظامهای فکری تبدیل شده است. در قرن 18 با داشتن متفکرانی مثل کانت به گونه ای خود مطلق بین بودند و متناسب با شرایط اروپای آن روز و نسبتی که با فرهنگهای آسیایی و آفریقایی داشتند، متفکران قرن 18 تلاش داشتند زاد و توشه فرهنگهای دیگر را به فرهنگ خود فروکاهند.

این استاد دانشگاه علامه طباطبائی تصریح کرد: فیلسوف تاریخ با توجه به اصالت دادن به تاریخ خود، تاریخ دیگر فرهنگها را به نفع تاریخ خود تفسیر می کند و به همین جهت فلسفه تاریخ هگلی و مارکسی در پی دادن اصالت به فرهنگ اروپایی بودند اما در این زمان صدای مخالفی وجود دارد به نام «هردر» این متفکر در ایران ناشناخته است اما او با روش غالب متفکران اروپا که تکثر را نفی می کنند و به فرهنگ خود اصالت می دهند، مخالفت کرد.

وی خاستگاه فلسفه تاریخ هگل را، "هردر" خواند و افزود: او کتاب «ایده هایی درباره فلسفه تاریخ انسانیت» خویش را با یک نظام متافیزیکی سخت ننوشته است. مسئله هردر مشیت الهی و رویارویی با پدیده تکثر و تاریخ است و به نحوی می خواهد این دو را با هم جمع کند و همواره او بین دو مسئله «مفهوم انسانیت»- که در ذیل مشیت الهی است- و تکثر فرهنگها- به این

معنی که باید آن را به فرهنگ خاص برگرداند مخالفت می کند- در رفت و آمد است.

این استاد دانشگاه گفتگوی علامه طباطبایی و شهید مطهری را شبیه نسبت هردر و هگل توصیف کرد و گفت: گفتگوی میان این استاد و شاگرد بسیار آموزنده است و نشان دهنده دو جهت گیری مختلف در مواجهه تکرار است که مسئله زمان ما هم هست. اینکه مرحوم مطهری در بین همه شاخه های فلسفه مدرن به فلسفه تاریخ نزدیک شد پاسخ شهید مطهری به پدیده تکرار است و شیوه او شبیه حکمای سلف است و به طور مستقل در باب فلسفه تاریخ کتاب نوشتند و بقیه تفسیرهایش متأثر از این نگاه است.

وی افزود: بین بحث ادراکات اعتباری و فلسفه تاریخ استاد مطهری یک رابطه وجود دارد و به گونه ای پاسخ به پدیده تکرار است اما مبنای مرحوم مطهری شبیه مبنای هگل و مارکس تفسیر تاریخ بر اساس قواعدی که قطعی می دانند، هست. حتی شهید مطهری با قرآن پیوند می داد یعنی کوششی متافیزیکی و فروکاستن تکرار به وحدتی است که آن وحدت جایی است که متفکر ایستاده است اما پاسخ علامه طباطبایی اینگونه نیست.

نویسنده کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی(ره) و فلسفه فرهنگ» در پایان سخنانش کوشش علامه برای توضیح ادراکات اعتباری را شبیه کوشش متفکرانی مثل روسو و هردر در تعریف فرهنگ خواند و گفت: علامه اصل تکرار را می پذیرد و می کوشد مبنایی برای توضیح و تفسیر اساس تکرار عرضه کند این مبنا کاملاً بدیهی است و ایشان توجهی به پدیده تکرار داشتند و به آنچه که در فلسفه فرهنگ رخ داده نزدیک شده است.